

آتش نشان‌ها از مصایب کارشان می‌گویند

مازود می‌میریم

حکم اضافه حقوق آتش نشان‌ها غافلگیرانه و سیل‌وار بعد از حادثه پلاسکو به دستشان رسید
کمبود نیرو و ما را فلج کرده ◀ از ۴ هزار لیتر آب مخزن، تا به بالای آتش برسد، ۳ هزار لیتر آن هدر می‌رود



عکس: ایران

می‌کنند.» تازه از یک مأموریت در جاده مخصوص آمده می‌گویند این روزها مسرمد حتی بهتر به خودروی آتش نشانی راه می‌دهند. در این مأموریت آخر، یک نوزاد و یک مرد جوان از قفسه سینه آسیب دیده بودند. حمید باید پرود عبادت یکی از آتش نشان‌ها که در حادثه پلاسکو مصدوم شد: «حتما فیلم را دیده‌اید، همین که وقتی ساختمون فروریخت خودش روز نزدیکان پرت کرد پایین.» خودش در این چند روز، داوطلبانه به ایستگاه‌هایی رفته که مأمورانش درگیر پلاسکو شده‌اند و جایشان خالی است.

رضا می‌گوید که این روزها خیلی از ما می‌میرند و هر شب که خانه نیستند، برای خانواده‌ها مصیبت است. دو سال است ازدواج کرده، پنج سال است آتش نشان است و قبل از آن حسابدار بود شغلی که این خطرها را نداشت تا در آمد خود دانشجویست، ساعت‌های استراحت هم کار می‌کند در باشگاه ورزشی: «این چند ساله کشته‌ها زیاد شده، این اتفاقات تبعات منفی دارد، ما در هیچ مراسم خانوادگی نیستیم، من که بچه ندارم ولی آنها که دارند، وقتی بچه‌شان مریض می‌شود، کنار همسرشان نیستند. در عزای و عروسی نیستیم، همیشه هم که نمی‌شود از مرخصی استفاده کرد. قبلا خانواده‌ام مشکلی نداشتند الا این‌ها خبرها مخالفتشان را با کارم‌علنی می‌گویند.»

«بعد از عملیات‌های سخت برایتان جلسه مشاوره یا روانشناسی ترتیبی دهند؟»
منظور تون دقیقا چیه؟
«هر روانشناس مراجعی کنید؟»
نه از این خبرها نیست، خیلی بشود بهمان مرخصی بدهند

از نخستین عملیات سخت و شوکا ور رضا در کارگاه‌های بزرگ خاتم‌الانبیا تا حادثه شهران همین شش هفت ماه قبل، شرایط کاری برایشان تغییر نکرده. رضا حدودا ۳۰ ساله است، ظاهرش نشان می‌دهد که اهل ورزش است: «خیلی وحشتناک بود، دوست داشتم بعد از آن چند وقت کار نکنم؛ حداقل چهار پنج روز مرخصی باشم، ۶ ساعت عملیات بود بعد هم یک هفته طول کشید تا یکی از محبوسان را پیدا کنیم، ایستگاه دومی بودیم که رسیدیم و باید یکی یکی خانه‌ها را تخلیه می‌کردیم، خطر بیخ گوشمان بود، شاید چون به خیر گذشت بعد خبری نداشت.» نمای خانه‌ها را حریق سوزانده بود اما ساکنان طبقه چهارم و پنجم ساعت ۵ صبح ماه رمضان خواب بودند. می‌گویند مرگ را لمس کردم.

مدر براتی که تخصص ندارد
همیشه «زیر زنگ» هستند. شرایط بعد از بازنگشتگی شان خوب نیست، جایی که کارشان را خراب می‌کند، زیرساخت‌های شهری است: «تجهیزاتمان بد نیست، دوره‌های آموزشی می‌بینیم اما زیرساخت‌ها به ما ضربه می‌زنند.» البته همه تجهیزات ما هم به روز نیستند و خیلی وقت است که وسایل روزمره یک ایستگاه آتش نشانی یا حذف شده یا به حداقل رسیده، سفره، مایع دستشویی و... نامه‌نگاری برای ایستگاه گرم‌کننده معیوب موتور خودروها آتش نشان‌ها را به جایی نمی‌رساند. خودروهایی که نیمه‌مشب زمستان به محض این‌که استارت می‌خورند، باید راه بیفتند و فرصتی برای گرم‌شدن موتورشان نیست؛ باید شیب‌ها موتور را گرم کنند، سیستم‌ها که معیوب شوند، خودرو به جای ۱۰۰ سال کار، بیشتر از سه سال مداوم نمی‌آورد.

«بعد فترت ماندن زیر بار، یک عده به خاطر نجات آنها رفتند در جرحه‌اش. با علم به این‌که هر لحظه ممکن است بریزد، یک سری از نردبان برمی‌گردند و یک سری از هکانه؛ بقیه می‌مانند.» جواب حمید است به این‌که مگر آتش نشان‌ها نمی‌دانستند که ساختمان می‌ریزد؟ آتش صحنه تقریباً امن است. هر لحظه غافلگیر می‌کند، مسأله سرعت عمل است. این‌که از زمان صدای زنگ تا رسیدن به خودرو بیشتر از ۴۰ ثانیه طول نکشد. این‌که هشت منطقه آتش نشانی دارد؛ هر منطقه ۱۰ تا ۲۰ ایستگاه در این چند روز مردم ایستگاه‌ها را به نشان همدلی با گل و شمع تزئین کردند. حمید می‌گوید که مردم به آتش نشان‌ها احترام می‌گذارند: «یک سری بازنشسته‌شویم، نمی‌دانم در چه مرحله‌ای است.» عباس گوردزی، نماینده برچرد و عضو کمیسیون

چند کارگر دیگر در همان حادثه نجات داده بودند و آتش نشان دیگری در توییت نوشته است: بعد از حادثه پر از خبر بود و حاشیه که نمی‌شد از هم تشخیص داد، اما آن کسی که خودش از دل ماجرا آمده بود، حتما می‌توانست خبرهایی موثق‌تری بدهد. حساب کاربری یک آتش نشان در توییت کرد در این چند روز از عملیات نوشته و درد دل از شرایط کار و تجهیزات: «آخه آدم به کی بگه؟ هنوز آتش نشان‌ها که میرن تو دل حادثه به بی‌سیم دست‌های ندارند که بتونن با بیرون ارتباط برقرار کنن مجبورن موبایل بدن.»
«این ۳ سال به خاطر شوی تبلیغاتی قالبیاف کل بودجه شهرداری صرف پروژه‌های دیگر شد و عملا سازمان آتش نشانی کاسه گنایی برای حقوق دستش گرفتیم.»
آتش نشان‌ها رو مجبور می‌کردن که با خودروهای آتش نشانی برن خیابون بشورن، اسمش هم گذاشته بودید طرح جهادی.»
اما حافظه بعضی مسئولان و شاید ما، همه چیز پاک می‌شود، مثل حادثه خیابان جمهوری و کشته‌شدن دو زار در شغل‌های سخت و زیان‌آور بیابوند که ۲۰ ساله بازنشسته‌شویم، نمی‌دانم در چه مرحله‌ای است.»
عباس گوردزی، نماینده برچرد و عضو کمیسیون

اجتماعی به «شهروند» می‌گوید مصوبه‌ای که هیأت دولت در سال ۹۱ تصویب کرده بود و در آن شغل آتش نشانی را جزو مشاغل سخت و زیان‌آور می‌دانست، چند سالی مورد توجه نبود، اما «ما اخیرا در مجلس و در قالب برنامه ششم توسعه این مورد را تصویب کردیم، نکته مهم این است که این قانون جزو قوانین بالادستی است و اهمیت و اعتبار بسیاری برای اجرایی شدن دارد و از سال ۹۶ عملیاتی خواهد شد.»

رتبیت	شاخص‌ها
۱	رضایت از همکاران و جوسازسان
۲	رضایت از ماهیت شغل
۳	رضایت از نظارت و سرپرستی
۴	رضایت از امنیت شغلی
۵	رضایت از شرایط فیزیکی
۶	رضایت از روند‌های اجرایی کار (شرایط کار)
۷	رضایت از اطلاع‌رسانی
۸	رضایت از سبک رهبری
۹	رضایت از پائین‌های احتمالی
۱۰	رضایت از حقوق و مزایا
۱۱	رضایت از نقای شغلی
۱۲	رضایت از امکانات رفاهی

رتبیت	شاخص‌ها
۱	رضایت از همکاران و جوسازسان
۲	رضایت از ماهیت شغل
۳	رضایت از نظارت و سرپرستی
۴	رضایت از امنیت شغلی
۵	رضایت از شرایط فیزیکی
۶	رضایت از روند‌های اجرایی کار (شرایط کار)
۷	رضایت از اطلاع‌رسانی
۸	رضایت از سبک رهبری
۹	رضایت از پائین‌های احتمالی
۱۰	رضایت از حقوق و مزایا
۱۱	رضایت از نقای شغلی
۱۲	رضایت از امکانات رفاهی

میانگین حقوق یک آتش نشان تمام وقت در کشور های دیگر

کشور	درآمد ماهانه	ساعت در هفته
آمریکا	۲۷۲۹	۴۸.۹
استرالیا	۲۶۵۴	۳۹.۷
آلمان	۱۷۸۶	۴۰
برزیل	۴۷۹	۴۰.۷
چین	۵۶۰	اعلام نشده
کویت	۱۲۶۳	۴۴

هر حالت، آتش نشان‌ها زمانی که استخدام شوند، کلاس‌ها و تعلیم‌های عملی را تحت‌نظر کارفرمای خود طی می‌کنند.
تجربه
اداره آتش نشانی شهر نیویورک نشان می‌دهد چگونه حقوق آتش نشان‌ها با تجربه و ترفیع افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۱۱، دستمزد سالیانه آتش نشان‌ها ۴۳ دلار شامل حقوق پایه با اضافه‌کاری، تعطیلات و دیگر مشتقات است. بعد از سال اول، دستمزد‌ها به ۴۹۴۷ دلار و بعد از سه‌سال به ۵۹۶۲۹ دلار آمریکا می‌رسد. مزایا شامل بیمه عمر آتش نشان و خانواده‌اش، سالی یک‌ماه تعطیلات با حقوق و حقوق بازنشستگی است.

پلاسکو که اتفاق افتاد، از هر طرف خبر رسید و تکذیب شد. از رسانه‌های رسمی گرفته تا شبکه‌های اجتماعی پر از خبر بود و حاشیه که نمی‌شد از هم تشخیص داد، اما آن کسی که خودش از دل ماجرا آمده بود، حتما می‌توانست خبرهایی موثق‌تری بدهد. حساب کاربری یک آتش نشان در توییت کرد در این چند روز از عملیات نوشته و درد دل از شرایط کار و تجهیزات: «آخه آدم به کی بگه؟ هنوز آتش نشان‌ها که میرن تو دل حادثه به بی‌سیم دست‌های ندارند که بتونن با بیرون ارتباط برقرار کنن مجبورن موبایل بدن.»
«این ۳ سال به خاطر شوی تبلیغاتی قالبیاف کل بودجه شهرداری صرف پروژه‌های دیگر شد و عملا سازمان آتش نشانی کاسه گنایی برای حقوق دستش گرفتیم.»
آتش نشان‌ها رو مجبور می‌کردن که با خودروهای آتش نشانی برن خیابون بشورن، اسمش هم گذاشته بودید طرح جهادی.»
اما حافظه بعضی مسئولان و شاید ما، همه چیز پاک می‌شود، مثل حادثه خیابان جمهوری و کشته‌شدن دو زار در شغل‌های سخت و زیان‌آور بیابوند که ۲۰ ساله بازنشسته‌شویم، نمی‌دانم در چه مرحله‌ای است.»
عباس گوردزی، نماینده برچرد و عضو کمیسیون

کشور	رتبیت	شاخص‌ها
آمریکا	۲۷۲۹	۴۸.۹
استرالیا	۲۶۵۴	۳۹.۷
آلمان	۱۷۸۶	۴۰
برزیل	۴۷۹	۴۰.۷
چین	۵۶۰	اعلام نشده
کویت	۱۲۶۳	۴۴

خودشان برای آپرساندن به آتش، لوله‌کشی کنند. کاری زمانبر، ۴ هزار لیتر آب در مخزن است و تا به بالای آتش برسد، ۳ هزار لیتر آن هدر می‌رود.
اواز کمبود نیرو هم گله می‌کنند: «ایستگاهی که باید ۱۲ نفر نیرو داشته باشد، با ۷ تا ۸ نیرو می‌گردد، من به‌عنوان مدیر زمانی که نیرویم مرخصی بود، هم‌اتندگی می‌کردم، هم بی‌سیم جواب می‌دادم و هم عملیات انجام می‌دادم. یک زمانی سه خودرو می‌آید با چهار نفر. استخدام نداریم و کمبود نیرو ما را فلج کرده. شهید امید عباسی، کمک فرمانده بود و چون نیرو نداشت، خودش دود رفت در آتش.
حمید می‌گوید: ما تهران هزار و یک مشکل دیگر هم دارد. کسی از زیر تهران خبر ندارد. جک‌های دربان‌های بالا بر آتش نشانی چند تن وزن دارد: «مثل جرتقیل» که زمین باید بتواند این وزن را تحمل کند: «تهران هم که پر از قنات، حلال‌قنات به کنار، خیلی جاها را کنده‌اند و خاک‌دستی ریخته‌اند و شهرداری یک لایه آسفالته کرده اگر آن نقطه را جک زده باشیم و حفره ریزش کند، می‌فانید چه می‌شود؟ نردبان آتش نشانی را مقصر دادیم بلیت آن.»
«کسر بودجه به جایی رسیده بود که هزینه تعمیر و نگهداری همین خودروهای آتش نشانی رو نداشتند.»

کشور	رتبیت	شاخص‌ها
آمریکا	۲۷۲۹	۴۸.۹
استرالیا	۲۶۵۴	۳۹.۷
آلمان	۱۷۸۶	۴۰
برزیل	۴۷۹	۴۰.۷
چین	۵۶۰	اعلام نشده
کویت	۱۲۶۳	۴۴

شادی خوشکار آتش نشان‌ها در گوشی‌هایشان و کامپیوترها از خودشان عکس دارند. عکس‌هایی که سپرده‌اند وقتی اتفاقی برایشان افتاده استفاده شود، بعد از ۳۰ سال کار در عملیات‌های برحریق، قلب و ریه دیگر جواب نمی‌دهند، اغلب آتش نشان‌ها یک یا دو سال بعد از بازنشستگی فوت می‌کنند. حمید می‌گوید: بیشتر ما زود می‌میریم.
۱۳ ساله است، سفیدرو با چشم‌های روشن و صورت استخوانی. در ایستگاهی در جاده مخصوص کرج کار می‌کند.
ضرب سختی شغل آتش نشان‌ها با بستگی به مدیر دارد. می‌گوید یک مدیر تا سال‌ها ضرب یک سوم اضافه حقوق می‌داد و یک مدیر تا پنج سوم هم حقوق را اضافه کرد. مدیر بعدی جلوی آن را گرفت. از سال گذشته ضرب ۳۵ واحد اضافه حقوق بابت شش‌ریاض محیط کار برایشان تصویب شده، حمید می‌گوید: «خودمان هم نمی‌دانیم این ضرب چه معنایی دارد ولی قرار است به هر فیش حقوقی ۲۹۰ هزار تومان اضافه شود.» در یکی، دو ماه اخیر با فشار خود آتش نشان‌ها حکم افزایش حقوق را داده‌اند. فقط به ۳۰ درصدشان، اما هنوز از پول خبری نیست. حکم‌ها در چند روز گذشته به شکلی غافلگیرانه و سیل‌وار به ایستگاه‌ها رسال شد. تاریخ صدور حکم‌ها عمده پیش است و تا قبل از فاجعه پلاسکو به دست آتش نشان نرسیده و به حقوقشان اضافه نشد.
«صلانم یک چیزی به شما بگویم، قدر اسبون جهانی چیه، ما یک سندیکا نداریم که وقتی در حتما اجحاف شد، کسی از طرف ما صحبت کند تا قانون را اصلاح کنند. در کشور ما چنین چیزی تعریف نشده.»
۱۵ روز پیش برنامه چکاپ سالانه آتش نشان‌ها بعد از ۱۰ سال وقفه از سر گرفته شد و در گروه‌های ۵۰ و ۱۰۰ نفره داشتند می‌رفتند برای معاینه پزشکی که «خورد به ماجرای پلاسکو.»

پلاسکو در جای‌جای حرف‌های همه‌شان هست، هر چند حمید و همکار جوان ترش رضا عملیات‌های سخت زیادی رفته‌اند، اما پلاسکو هنوز می‌سوزاندشان «کنندسوزی»، «صدرد صد کسی زنده نمونه، حرارت اونجا مثل تنوره، ۲۰۰ درجه همه چی داره کنندسوزی می‌شه، وقتی ماده سوختنی دیو شده باشه، وسطش آتش داره، یعنی محیط دود داره و به محض این‌که تیر آهنی رو برمی‌دارن و آوار جابه‌جا می‌شه، آسپژن می‌رسه و شعله‌ور می‌شه.»
پلاسکو انبوه پوشاک بوده، ساختمانی سنگین که با آب سنگین تر شد. کار اطفا تا حدودی تمام شده بود، ساختمان از سستی و سنگینی ریزش کرد: «چه‌جا فهمیده بودن که ساختمون سسته و می‌ریزه بیشتر شون معطل شدن که صاحبان مغازه رو تخلیه کنن. مردم از ساعت ۹ و ۱۰ آمده بودن سراغ گاو صندوق، بچه‌ها که می‌خواستن از طبقه یازدهم بیان بیرون، پله‌ها کلا تخریب شدن، آنها که گیر افتادن جلوی پنجره‌ها با نردبان و خودروی بالا بر نوتسنت بیان و بقیه گیر افتادن.»

کسی از زیر تهران خبر ندارد
«شما فکر کن قلب با باتری ۱۲ ولتی کار می‌کنه، اگه برق ۲۲۰ ولت بهش وصل کنن چی می‌شه؟» این حکایت‌های است که زنگ در ایستگاه آتش نشانی به صدای می‌آید. شب و نیمه‌شب هم ندارد. زنگ می‌خورد، تاپیه‌ها می‌گرددند، آتش زود بزرگ می‌شود و هر ثانیه مهم‌اوست: «همیشه استرس داریم.»

«سوارش فیزیولوژیکی که در اثر شوک ناشی از خارج شدن از وضع سکون و خواب نسبتا آرام با شنیدن صدای زنگ حریق و جاذبه (با قدرت حداقل ۸۵ دسی‌بل) در لحظات پیش‌بینی نشده ایجاد می‌شود و همچنین پاسخ فوری می‌دهد و به نجات و امداد شهروندان به‌ویژه هنگام شب، به حدی شدت دارد که مقدار قابل توجهی هورمون آدرنالین به‌طور ناگهانی در تن آتش نشانان آزاد می‌شود. این امر می‌تواند تغییراتی در ضربان قلب، فشار خون و متابولیسم بدن آتش نشانان به وجود آورد.» (ویلاک آتش ستریان) استرس وقتی که زنگ به صدا در می‌آید، وقتی دارند رانندگی می‌کنند تا زودتر به محل برسند، وقت عملیات ترس از این‌که مبادا کاری انجام نشود که منجر به آسیب‌رساندن به خود و دیگر همکاران شود: «چی از ما می‌مونه؟»
بعضی هاسال ترس‌تری دارند، حمله می‌کنند به آتش و جلو می‌روند، حمید می‌گوید: به‌خصوص وقتی جوان تر هستند: «این نپسان‌های کیسول گاز رو دیدین؟ یکبار عملیات روی یکی از اینها بود، پر از کیسول گاز ۱۰ کیلوگی، دو سه تا شون نشتی داشت و با آتش سیگار روشن شده بود، وقتی این آتش به بدنه کیسول‌ها می‌خوره، مثل سوپاپ عمل می‌کنه، همه‌شون می‌خورن به هم و یکی یکی می‌ترکن، رفته رفته بین کیسول‌های آتش گرفتار می‌رویم گرفته بودن و من شیرهای گاز شان رو می‌بستم و می‌انداختم توی جاده هنوز خودم موندنم بطور این کارو کردم.»
تجهیزات آتش نشان‌ها چندان قدیمی نیست، نردبان‌ها به‌روز است، هر چند وقتی مشکلی پیدا کنند، تعمیرشان به راحتی نیست و می‌ماند. اما خاک سست است و سیستم‌های حریق حتی در ساختمان‌های تازه‌ساز هم کار نمی‌کنند: «ساختمان بلندمرتبه باید سیستم اعلام و اطفا‌ی اتوماتیک داشته باشد، اگر در پلاسکو چنین سیستمی داشتیم، قبل از این‌که آتش نشانی برسد، مشکل حل شده بود.» اطراف ساختمان‌ها باید برای خودرو و نردبان آتش نشانی باز باشد. پیرامونش طوری باشد که در هر زاویه‌ای بشود مانور داد: «در پلاسکو فقط از یک جهت و دو جهت کار کردیم.» هر خودروی آتش نشانی که به حریق می‌رسد، ۴ هزار لیتر آب در مخزن دارد. اگر سیستم اطفا‌ی حریق ساختمان کار کند، می‌توانند از لوله‌کشی آن استفاده کنند: «کتر برج‌های تازه‌سازی که رفتم، سیستم‌شان کار نمی‌کرد. حتی یک جرافته بودیم برای مانور، مخزن آب خالی بود، آب را از مخزن خودمان باز کردیم اما به پای تاکنر هم نرسید و خالی شد، دنبال ماجرا که رفتم، دیدم شیرهای طبقه منفی ۲ باز بوده و آب به طبقه دهم که ما بودیم، نمی‌رسید. تصور کنید اگر اتفاقی افتاده بود و می‌خواستیم از سیستم لوله‌کشی ساختمان استفاده کنیم، چه می‌شد؟ از سر‌سازی فقط ادایش را یاد گرفتیم.» مخزن برج‌ها خالی است، سیستم‌های اطفا، نامایشی است و نمی‌شود به آنها اطمینان کرد. آتش نشان‌ها فقط می‌توانند کار سستی انجام دهند،

کشور	رتبیت	شاخص‌ها
آمریکا	۲۷۲۹	۴۸.۹
استرالیا	۲۶۵۴	۳۹.۷
آلمان	۱۷۸۶	۴۰
برزیل	۴۷۹	۴۰.۷
چین	۵۶۰	اعلام نشده
کویت	۱۲۶۳	۴۴

خودشان برای آپرساندن به آتش، لوله‌کشی کنند. کاری زمانبر، ۴ هزار لیتر آب در مخزن است و تا به بالای آتش برسد، ۳ هزار لیتر آن هدر می‌رود.
اواز کمبود نیرو هم گله می‌کنند: «ایستگاهی که باید ۱۲ نفر نیرو داشته باشد، با ۷ تا ۸ نیرو می‌گردد، من به‌عنوان مدیر زمانی که نیرویم مرخصی بود، هم‌اتندگی می‌کردم، هم بی‌سیم جواب می‌دادم و هم عملیات انجام می‌دادم. یک زمانی سه خودرو می‌آید با چهار نفر. استخدام نداریم و کمبود نیرو ما را فلج کرده. شهید امید عباسی، کمک فرمانده بود و چون نیرو نداشت، خودش دود رفت در آتش.
حمید می‌گوید: ما تهران هزار و یک مشکل دیگر هم دارد. کسی از زیر تهران خبر ندارد. جک‌های دربان‌های بالا بر آتش نشانی چند تن وزن دارد: «مثل جرتقیل» که زمین باید بتواند این وزن را تحمل کند: «تهران هم که پر از قنات، حلال‌قنات به کنار، خیلی جاها را کنده‌اند و خاک‌دستی ریخته‌اند و شهرداری یک لایه آسفالته کرده اگر آن نقطه را جک زده باشیم و حفره ریزش کند، می‌فانید چه می‌شود؟ نردبان آتش نشانی را مقصر دادیم بلیت آن.»
«کسر بودجه به جایی رسیده بود که هزینه تعمیر و نگهداری همین خودروهای آتش نشانی رو نداشتند.»

خودشان برای آپرساندن به آتش، لوله‌کشی کنند. کاری زمانبر، ۴ هزار لیتر آب در مخزن است و تا به بالای آتش برسد، ۳ هزار لیتر آن هدر می‌رود.
اواز کمبود نیرو هم گله می‌کنند: «ایستگاهی که باید ۱۲ نفر نیرو داشته باشد، با ۷ تا ۸ نیرو می‌گردد، من به‌عنوان مدیر زمانی که نیرویم مرخصی بود، هم‌اتندگی می‌کردم، هم بی‌سیم جواب می‌دادم و هم عملیات انجام می‌دادم. یک زمانی سه خودرو می‌آید با چهار نفر. استخدام نداریم و کمبود نیرو ما را فلج کرده. شهید امید عباسی، کمک فرمانده بود و چون نیرو نداشت، خودش دود رفت در آتش.
حمید می‌گوید: ما تهران هزار و یک مشکل دیگر هم دارد. کسی از زیر تهران خبر ندارد. جک‌های دربان‌های بالا بر آتش نشانی چند تن وزن دارد: «مثل جرتقیل» که زمین باید بتواند این وزن را تحمل کند: «تهران هم که پر از قنات، حلال‌قنات به کنار، خیلی جاها را کنده‌اند و خاک‌دستی ریخته‌اند و شهرداری یک لایه آسفالته کرده اگر آن نقطه را جک زده باشیم و حفره ریزش کند، می‌فانید چه می‌شود؟ نردبان آتش نشانی را مقصر دادیم بلیت آن.»
«کسر بودجه به جایی رسیده بود که هزینه تعمیر و نگهداری همین خودروهای آتش نشانی رو نداشتند.»